



اصفحه ۲۰۱۲ سپتامبر ۱۳۹۱ مهر مهر ۱۳۹۱ «فیژه نامه فستیوال «شش هفته با هنر ایران» «www.sixweeks.ca

# نگاهان خسات م

# ششهفته باهنرايران افتتاح شد

● از چهار راه پارلمان که به خیابان کوئین سراز پر میشوی، حضور پر تعداد مردم در جلوی گالری کوئین و نور ممتد فلش دوربین شما را به آنجادعوت می کند. نرسیده به در ورودی گالری، «مارسل جرو» با آن کلاه چگوارایی و ریش قرمز از میهمانان در جلوی پوستر فستیوال عکس یادگاری می گیرد. فضای گالری پر از صدای شادی و خنده است و چهره هایی آشنا به چشم می خورند. حضور آقای «جان را پرسون» رئیس موزه وارلی، دکتررضا مریدی «نماینده پارلمان اونتاریو»، «حسن زرهی» سردبیر هفته نامه شهروند، «شهاب رضویان» کارگردان سینما و دوستان دیگر، نشان از اهمیت چنین فستیوالی دارد. در کنار آثار بسیار دیدنی و ارزشمند از چند نسل هنرمندان ایران در بخش هنرهای تجسمی، پذیرایی از میهمانان نیز همانند دوره گذشته خوب است. استقبال کم نظیر از فستیوال «شش هفته با هنر ایران» حاصل همکاری نزدیک هنرمندان خوب تورونتو، اصحاب رسانه و نتیجه رضایت میهمانان از دوره قبل است.











کارهای اخیرش توضیح می دهد. روبروی کارهای معراجی ، پوستر ها و تصویر سازی های علی کامران قرار دارد. ۴ پوستر از آن کارهای بیاد ماندنی که هر بیننده را برای لحظه ای خیره می کند. اما بیشتر کنجکاوی میهمانان روی تصویر سازی هایش است که برای اولین بار به نمایش گذاشته شده است. در ۲ طرف کارهای کامران ، مهراد معراجی ، جوان ترین هنرمند این نمایشگاه ، مجموعه ای از کارهای جدیدش را بر روی دیوار گذاشته است. کارهایش نسبت به دوره قبل از لحاظ سایز ، کاملا کوچک تر شده اند و از آن فیگورهای کاملاانسانی و فضای هایپر رئالیسم تبدیل به المان هایی از بادکنک، تیغ، دوده و چوب بستنی شده اند. یک جهش بزرگاز یک قله به قله ای دیگر. وارد گالری که میشوی ناخود آگاه دیواری شطر نجی تو را به سمت خودش می کشد نزدیکتر که میروی دیوار با عکس هایی به شکل مربع و فرمت مدیوم پوشیده شده است. کارهای پویان طباطبایی زمان را در تصویر کشدار کرده است و شما را به کشف

المانهای پیدا و ناپیدا دعوت می کند. اکثر بینندگان دوست دارند تا عکسی جلوی این مجموعه به یادگار بگیرند و اگر پویان را هم پیدا کنند، عکاس هم در قاب عکس خودش گیر می افتد.

از سالن ۲ به یک که حرکت می کنید،انگاربه سفری درون تونل زمان دعوت می شوید. از کارهای محسن وزیری مقدم ، پدر هنر مدرن ایرانی تا مهراد معراجی که کمی بیش از بیست سال سن دارد،نگاه نسلهای مختلف هنرمندان ایرانی چشم نواز و پر هیجان است. از گالری که بیرون بزنی، سوال های زیادی در ذهنت مطرح می شود که برای جواب به آنها دوباره باید به داخل بر گردی . دوباره باید تک تک کارها را ببینی و دوباره طرح سوال های جدیدتر و این سفر همچنان ادامه پیدا می کند.

●● حضورعکسهای حمید جبلی در کنار پوسترهای قباد شیوا و مجسمه های محسن وزیری مقدم فضای گرم گالری را گرمتر کرده و بینندگان برای مدت طولانی در سالن شماره ۲ به واکاوی نشانه های موجود در کارها مشغول می کند. انسانهای پیچیده شده در نورهای عجیب ، خصوصا سری عکس های طلسم ها و نشانه ها برای بینندگان حرفه ای جذابیت خاصی دارد . کارهای قباد شیوا در دو مرحله هیجان ایجاد می کند ،بار اول کیفیت اجرایی و ایده آثار که چه قدر محکم و پر انرزی خلق شده اند وبار دوم وقتی که متوجه میشوی که آثار متعلق به سالهای ۱۹۶۹ است. مجسمه های محسن وزیری محل کنکاش بیننده با خود درونش است . باز کردن ، بستن و تغیر شکل دادن هر کدام از مجسمه هامی توان هر بیننده را ساعت هادر همانجانگاه دارد.
در سالن شماره یک ۴ نقاشی محمود معراجی که نتیجه همنشینی رنگ روغن بروی کاغذ در اندازه های بزرگ است، کل دیوار را پوشانده. همه کنجکاو هستند که کارها





# محسنوزيري

● نقاشی های شنی و مجسمه های غول پیکر چوبی متحرکاز آن دسته کارهایی است که از سال ۱۹۶۲ در موزه هنرهای مدرن نیویورک شناخته شده است....



# محمودمعراجي

● اولین نمایشگاه انفرادی کارهایش در گالری گلستان بر پاشد. در نمایشگاه های مختلفی در تهران کارهایش به نمایش در آمد. برنده جایزه اول نمایشگاه...

# حمید جبلی

● دوره کارهای با آگراندیسمان، برایم کشف تصویر بودواکثر کارها بدون دخالت دوربین بوجودمی آمدند. دوره کارهای رئال از سال ۱۳۶۳ و بواسطه آشنایی با محمود کلاری ...

عکس:سامان اقوامی

زنجیروار بودم تا تمرکزی روی کارهای امروزه هنرمندان ایرانی - کانادایی داشته باشد و خلاصه خودمان ببینیم که

شاید این بهترین موقعیت بود برای به انجام رساندن چنین کاری. شبی با دوستان گرمابه و گلستان گیی زدیم،

تبادل نظری کرده و به کلیتی رسیدیم. ۴ روز بعد طرح کلی

نمایشگاه ها روی میز مدیر گالری بود و جالب آنکه نرسیده به منزل، پروژه قبول شده بود. کارها به سرعت شروع شد و با توجه به زمان کوتاهی که داشتیم ، قرار شد تا ۸ هنرمند در

۱ سال قبل تر از این اتفاق، چند دیداری با محسن وزیری از

پیشگامان هنر مدرن ایران داشتم. روزهای پاییز در تهران بود و محسن وزیری هم با آن کج خلقی همیشگیش، پیشنهاد

من برای نمایشگاهی در تورونتو را شوخی بیش ندید و گفت

"من از این پیشنهادها روزی ۱۰ تا می گیرم اما، کسی که مرد

از تورونتو با محسن خان در ایتالیا تماس گرفتم و گفتم من

مرد حرف هایم هستم ، اگر شماهم مرد حرفهایتان هستید

، وقت نمایش است . پیوستن محسن وزیری به نمایشگاه ،

قوت قلبی به من داد که به همینجا بسنده نکنم و تماس های

مکرر و پیگیری های متعدد، تعداد هنرمندان شرکت کننده

را از ۸ به ۲۳ و از هنرهای تجسمی به موسیقی، فیلم و تئاتر

هم کشاند و نمایشگاه شش هفته با هنر ایران به فستیوال

شب افتتاحیه ، حضور هنرمندان بنام کانادایی و سیاست

مداران کانادا در کنار کارهای مستحکم و برنامه های مراسم

افتتاحیه ، تلوزیونهای کانادا را ترغیب کرد تا نه تنها روزانه

چند دقیقه ای به فستیوال ما بپردازند، بلکه از هنرمندان دعوت شد تا در برنامه های زنده تلویوزیونی شر *کت کن*ند. به

همت و کمک تمام هنرمندان و دوستان فستیوال شش هفته باهنر ایران تبدیل به اتفاق پر صدایی در جامعه کانادایی شد. امسال بعداز پشت سر گذاشتن مشکلات متعددی که در چند

سال گذشته صدراه ما شده بود، دوباره دوستان هنرمند دور

هم جمع شدند تا یکبار دیگر تجربه دوره اول فستیوال ر

تكرار كنند. حجم برنامه ها و تعداد هنرمندان شركت كننده

به طور چشم گیری افزایش یافته به گونه ای که امسال بیش

ز ۱۵۰ هنرمند در این رویداد حضور خواهند داشت. در

بخش مسابقه هنرهای تجسمی بیش از ۲۸۰ درخواست شركت و بالغ بر ۱۵۰۰ اثر به دفتر فستيوال رسيده است.

هدف از این فستیوال ٫ معرفی و رساندن صدای هنر معاصر

ایران به جامعه بزرگ و چند ملیتی کانادا است. به شخصه

معتقدم که همین حضور ملل مختلف در کانادا اهمیت

نمایش آثار را دوچندان می کند، زیرا شما نمایشی برای

جهان ترتیب می دهید نه برای یک کشور. در دهکده کوچک جهانی امروز ما، برای صدایی رسا بودن، نیاز به نگاهی جهانی

ست. هنرمندان موفق امروز آنها هستند که در کارشان

، فاصله ها را به بهترین نحو می شکنند و تصویری بدون

EASTERN BREEZE

بولتن داخلى فستيوال شش هفته باهنر ايران

محدودیت برای بیننده ترسیم می کنند.

این شش هفته کارهایشان روی دیوار قرار بگیرد.

تابستان سال ۱۳۸۶ یکی از

برگزاری یک سری نمایشگاه

هنرهای تجسمی به صورت



نمایشی برای جهانیان



# پیامدکتررضامریدی هفته باهنرایران»

•• فارغ از چارچوب سیاسی و مرزهای کشوری، حمایت می شود ، به معنای آن است که آنها نسبت به برگزاری و که در آن برگزاری چنین فستیوالی را مکان خوبی برای برپایی چنین مراسمی نگاهی مثبت داشته و همچنین به نمایش ارزش های فرهنگی و خلاقیت هنری ایرانیان دولتمردان ، همواره برای رشد و ادامه حیات تمام اتفاقات تیم برگزار کننده اعتماد دارند که کارها به درستی انجام مقیم کانادا می دانند. همچنین در ادامه متذکر می شوند فرهنگی - هنری مانند فستیوال ها و جشنواره ها مفید می پذیرد . فستیوال" شش هفته با هنر ایران" بسیار که برگزاری چنین نمایشگاه هایی فضایی را ایجاد میکند بوده است . خصوصا در کشور های مهاجر پذیر ، حمایت مالی و کلامی از یک قوم، آن هم توسط بدنه دولت، به رشد مفتخر است که در دوره اول برگزاری پیام های مثبتی که جامعه کانادایی - ایرانی به استان خودش ارزشی از دولتمردان کانادا مانند: آقای استفان هارپر - نخست مادی و معنوی اضافه کرده و به عنوان یک شهروند از این و ادغام هر چه سریعتر آن در جامعه مادر کمک می کند. در کشور کانادا، سالانه رقم قابل توجهی برای گسترش وزیر کانادا-، آقای دیویدمیلر -شهردار وقت تورونتو -و ... طریق با دولت خودهمکاری کند. و حمایت از هنر و هنرمند در بودجه کشوری و استانی دریافت کرده است. در نظر گرفته می شود . برای دریافت چنین کمک هایی

ز دولت باید مدارکی ارایه شود که نشان از توانایی انجام در دوره جدید فستیوال،اولین پیام حمایتی را دکتر رضا شرکت کردند و در آنجا دقایقی نیز برای میهمانان در باره پروژه پیشنهادی توسط گروه و یا هنرمند را دارا باشد . مریدی ، نماینده شهر ریچموند هیل در مجلس اونتاریو اهمیت هنر در زندگی و کمک های دولت در این زمینه پیام های دولتمردان که برای فستیوالها ی خاصی ارایه به فستیوال "شش هفته با هنر ایران " ارسال کرده اند سخنرانی کردند.









کارگاه آموزشی:

اکتبر ۲ به مدت ۳ روز

اکتبر ۹ به مدت ۳ روز

اکتبر ۱۵ به مدت ۳ روز

۴. کارگاه نوشتن خلاق

اکتبر ۲۱ به مدت ۳ روز

۱. کارگاه فیلم نامه نویسی

اکتبر ۲۹ به مدت ۴ روز

۱. کارگاه نقاشی

۲. کارگاه عکاسی

۳. کارگاه تئاتر



دکتر رضا مریدی شخصا در مراسم افتتاحیه فستیوال

سانس نمایش : ۵ - ۷ - ۹ عصر

سانس نمایش : ۵ - ۷ - ۹ عصر

سانس نمایش : ۵ - ۷ - ۹ عصر

مكان نمايش فيلم ها :

تلفن: ۴۱۶۷۳۱۷۷۹۷

سينماي كارلتون

١. اكتبر ١١

۲. اکتبر ۱۸

۳. اکتبر ۲۵

# نمایشگاه تجسمی:

۱. آینده در پس زمینه ۲۱ سپتامبر لغایت ۳ اکتبر ۲۰۱۲

> ۲. شکفتن در مه ۲۱ سپتامبر لغایت ۱۷ اکتبر ۲۰۱۲

> > ۵ اکتبر لغایت ۱۷ اکتبر ۲۰۱۲

۴. پرواز رنگها ١٩ اكتبر لغايت ۳۱ اکتبر ۲۰۱۲

سال ۱۳۹۱-تورنتو-کانادا ۳. قطار موز

سردبير: پويان طباطبايي ئروه تحريريه: پويان طباطبايي، هلياقاضي ميرسعيد ماناكياني،نازنينعباسي،سعيدشهسواري،پيمانمعظمي گروه طراحی و گرافیک: علی کامران، حسام الدین محبوب گروه عکاسی: مارسل جرو، سامان اقوامی تلفن: ۴۱۶۷۳۱۷۷۹۷ www.sixweeks.ca



GREETINGS FROM REZA MORIDI, MPP RICHMOND HILL

by sincere thanks to the Curator of Six Weeks of Iranian Art Festival, Pootsyan Tuhatabaei, the

شنبه۲۹سپتامبر۲۰۱۲

لمهر ۱۳۹۱

١. كارگاه آموزشي طراحي گرافيك 1. Graphic design workshop مدرس: على كامران Instructor: Ali Kamran زمان:۲۵ تا ۲۷ سپتامبر Date: 25th to 27th of September

مدرس: محمود معراجي

زمان: ۲ تا ۴ اکتبر

مدرس: پویان طباطبایی زمان: ۹ تا ۱۱ اکتبر

۴. کارگاه آموزشی تئاتر مدرس لون هفتوان زمان: ۱۵ تا ۱۸ اکشیر

 کارگاه آموزشی نگارش خلاق مدرس:سیاوش شعبانپور زمان: ۲۴ تا ۲۴ اکتبر

۶. کارگاه آموزشی فیلم نامه نویسی زمان: ۲۹ اکتبر لغایت ۱ نوابر

۲. کارگاه آموزشی طراحی و نقاشی

٣. کارگاه آموزشی عکاسی

مدرس: مصطفى عزيزى

# کارگاه های آموزشی **Workshops** opportunities

در دومین دوره فستیوال «شش هفته با هنر ایران» ۶ کارگاه تخصصی به مدت ۴ روز برای علاقه مندان در رشته های مختلف برگزار می گردد. به علت ظرفیت محدود کارگاه ها، اولویت با افرادی است که تا تاریخ ۱۰ سپتامبر ثبت نام کنند

2. Painting workshop Instructor: Mahmoud Meraji 2d to 4th of October

3. Photography workshop Instructor: Pooyan Tabatabaei 9 to 11th of October

> 4. Theatre workshop Instructor: Levon haftvan 15th to 18th of October

5. Creative Writing workshop Instructor: Siavash Shabanpor

> 24th to 26th of October 6. Scriptwriting workshop

Instructor: Mostafa Azizi 29th of October to 1st of November

For more information please visit www.sixweeks.ca - 731-7797 | 416- 361-6045 | info@sixweeks.ca

www.sixweeks.ca

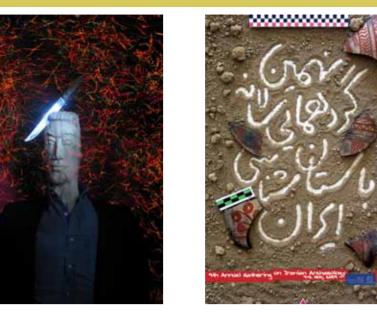
سیتامبر ۲۱ – اکتبر ۱۷











دراین بخش آثار گروهی از پیشکسوتان هنرهای تجسمی از جمله: محسن وزیری مقدم از پیشگامان هنرمدرن، قباد شیوااز دویست گرافیست

برجسته بين المللي، حميد جبلي از پيشگامان عكاسي تئاتروادمان آيوازيان به نمايش درمي آيد

نسيم نشرق



سپتامبر ۲۱ - اکتبر ۳

# دراین نمایشگاه ۵ بنیانگذار «شش هفته با هنرایران» تازه ترین آثار خود را تحت عنوان گروه «از آن فنجان» به نمایش می گذارند



و طراحی بود . اولین نمایشگاه انفرادی کارهایش در گالری گلستان برپا شد. در نمایشگاه های مختلفی در تهران کارهایش به نمایش در آمد. برنده جایزه اول نمایشگاه گل و گیاه شد، دوباره کارهایش به موزه هنرهای معاصر رفت و پس ز چند اتفاق ناگوار که موجب از بین رفتن تعدادی از نقاشی هایش شد ، چمدانش را بست و به همراه همسر و فرزندش

بود از آن تاریخ تا کنون،نمایشگاه های زیادی میزبان کارهای مختلف او بوده اند . جوایز متعدد در بخشهای مختلف نقاشی ، نشان از توان بالا و ذهن خلاق او دارد. همچنین در سالهای اخیر شاگردان زیادی از آکادمی نقاشی معراجی به دانشگاه

تفاوتی از محمود معراجی به نمایش در آمده است.





# على كامران

•• علی کامران متولد ۲۰ ژانویه ۱۹۷۴ در تهران است.از دوران کودکی بازی با کلمات تایپ شده خصوصا نوشته های انگلیسی بخش اصلی وقت فراغتش را پر میکرد. با حضور در دانشگاه با مقوله گرافیک آشنا شد. بازی های کودکانه تبدیل به پوستر های جذاب و زیبایی شد که بیش از یک دهه است در سینما و تاتر و حوزه موسیقی حرفهای زیادی برای

جوایز متعدد بین المللی ، نشانگر نگاه ویژه کامران به همنشینی تصویر و کلمات دارد .

در این دوره از فستیوال شش هفته با هنر ایران ، علی کامران بخشی از پوستر های ۳ سال



سال ۱۹۹۷ شروع دوباره ای برای معراجی در کشوری جدید های هنر کاناداراه یافتهاند.

• • محمود معراجی ، در ۱۸ فوریه ۱۹۵۸ در تهران متولد

شد . سال ۱۹۷۴ شروع فعالیت های وی در زمینه نقاشی

ر این دوره از فستیوال شش هفته با هنر ایران کارهای



مهاجرت به کانادا در سال ۲۰۰۶ و ادامه تحصیل در شاخه های مختلف طراحی گرافیک ، دریچه های جدیدی را برای دوباره دیدن به روی او گشود و کارهایش حال و هوای

اخیر و تصویر سازی هایش را برای علاقمندان به رشته گرافیک به نمایش گذشته است.

# پویان طباطبایی



# مهرادمعراجي

• • مهراد معراجی متولد ۹ جولای سال ۱۹۸۶ است. ده سال بیشتر نداشت که بهمراه خانواده ساكن كشور كانادا شد. بلافاصله پس از پايان تحصيلات دوره متوسطه، وارد دانشگاه هنر شده و هنوز در سال اول دانشگاه بود که کارهایش کاملابا دیگران تفاوت داشت. قلم های بزرگ بر بوم نقاشی و کار های پر هیجان در سایز های بسیا ربزرگ خبر از شکوفایی استعدادی درخشان

که مهراد در راه درستی گام بر می دارد. پرتره های چند متری از چهره هایی که برایش جالب بود دیوارهای خانه و استدیو کوچکش در دانشگاه را پر کرده بود. تکنینک های مختلف از طراحی های غول آسا با زغال تا چهره های چند متری با رنگ روغن آنچنان درست و پر هیجان اجرا شده بود که منتقدین کانادایی او را "چاک کلوز "جوان خواندند.

در چهار سال گذشته تغیرات زیادی در فرم و سایز کارهای جدید مهراد صورت گرفته است که در



در همان سالهای اول بود که اساتید کلاس هایش از مهراد کار می خریدند و این بدان معنا بود

نمایشگاه امسال، همه را سور پرایز کرد. دنیای جدیدی که خود مهراد آن را قدمی به جلو میداند.









۱۹۹۷ نقطه عطفی در زندگی وی به حساب می آید. هنگامی که اولین تجربه های حرفه ای عکاسیش مورد توجه نشریات خبری خارجی قرارمی گیرند. خودش بهترین دوستان سالها را دوربین کانن ۲۱ مشکی رنگش می داند. از آن تاریخ تا کنون، پویان طباطبایی اتفاقات باورنکردنی و منحصربفرد زندگی مردم را از فرهنگ های مختلف، مذاهب، باورها و نظامهای ارزشی بوسیله دوربینهایش به ثبت رسانده است. در انعکاس تصویر واقعی از شرایط انسانها ، کارهای او تلاش می کنند تا انعکاس دهنده جوهر درونی افراد بتصویر کشیده شده باشند، تا آنجا که عکاس امیدواراست که تماشای چنین آثاری، لحظه تاثیر گذاری در زندگانی بیننده بوجود آورد ، همانگونه که لحظه ای فراموش ناشدنی در زندگی

پویان طباطبایی تا کنون کاندید دریافت جوایز بین المللی متعددی بوده و برنده جوایز ارزشمندی چون جایزه بورسیه بنیاد مگنوم در سال ۲۰۱۲ بوده است . وی در ۲ سال گذشته انقلاب عربی در کشورهای مصر و لیبی را به تصویر کشیده است.

# حميدجبلي

• • حمید جبلی متولد سال ۱۹۵۸ در شهر تهران است . بیش از چهار دهه است که عکاسی می کند، مجسمه میسازد ، نقاشی می کشد و دوباره عکاسی می کند، هر چند سال یکبار هم یک کار سینمایی انجام می دهد. این روزها خیلی بیشتر عکاس است تا سینماگر درباره عکاسی مصاحبه ای نکرده است نمایشگاهی نگذاشته تا شاید سوء برداشتی نشود و على رغم ميلش عكس هاى ۴ دهه در کمداتاقش تلنبار شده اند. دغدغه اش شناختن دوباره تصوير است. مي خواهد بداند آیا همه یک تصویر واحد از یک شی می بینند و یا آنکه رنگها در نگاه همه یکسان است ؟ پرندگان چگونه به دنیای اطراف نگاه می کنند و علاقه عجیبی به پیدا کردن نگاه ماهی ها به اطرافش دارد تا آنجا که در سری



# محسنوزيرىمقدم

• • محسن وزیری متولد روز ۲۶ می ۱۹۲۴ در شهر تهران است . خودش 💮 بی تفاوت از کنار آثار محسن وزیری مقدم اعتقاد دارد که بدنیا آمده تا هنرمند باشد. او را به عنوان پدر هنر مدرن ایران بگذری. آثارش ناخواسته، حتی مخاطب عام یا یکی از پیشگامان هنر مدرن ایران نیز می شناسند.نقاشی های شنی 🤍 را هم به سمت خود می کشاند. به خودت که و مجسمه های غول پیکر چوبی متحرک از آن دسته بیایی می بینی خیره روبروی تابلویی ایستاده

🗥 که از سال ۱۹۶۲ در 🏻 ای که خالقش کسی نیست جز محسن موزه هنرهای وزیری.اینجاست که با نقاشی صاحب سبک آشنا می شوی، یک آشنایی، که در خاطرت

شده می ماند. اما نکته جالب توجه در مورد این است. حتى اگر نقاش صاحب نام ايراني آن است كه الرغم اهل نقاشی نباشی مشکل شدید بینایی ، وزیری یک بار دیگر

طول سالها تحصیل و کار حرفهای آثار خود

را در زمینه نقاشی، عکاسی و بهویژه گرافیک

در نمایشگاههای داخلی و بینالمللی از جمله

انگلستان، فرانسه و امریکا به تماشا گذاشته است. آثار

او بارها در نشریات جهانی انتخاب و چاپ شدهاند.

یکی از ۱۲ طراح گرافیک برتر جهان معرفی کرده و در حال حاضر در

موسسه شخصی خود در امر مدیریت، مشاوره هنری و همچنین طراحی

گرافیک در زمینههای مختلف، طراحی محیطی و نمایشگاهی فعالیت

دارد. منتخبی از پوسترهای او در قطع رحلی در سال ۱۳۸۳ و منتخبی

از آثار او در قطع جیبی در سال ۱۳۸۴ را موسسه پژوهشی فرهنگی

چاپ و نشر نظر به چاپ رسانده است و این مطلب نیز بر گرفته از همین

انجمن بین المللی طراحان گرافیک (AGI) او را به عنوان

، رفاقتی هم با بوم در سال ۲۰۰۵ یک دوره کاری جدید خلق نداشته باشی، نمی توانی می کندواز سوی دولت ایتالیا به عنوان مرد سال هنر اروپا معرفی می شود.

كتابهااست.

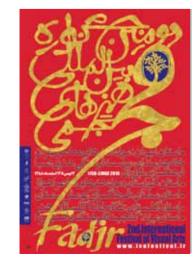


در ایران شد . درسش را درشهر لندن ادامه داد و بیش ۴۰ سال است که در کشور انگلستان زندگی می کند. نقاشیهای ادمان که دوستانش او را ادیک صدامی کنند در بیش از ۳۰ نمایشگاه در کشورهای مختلف دنیا شرکت داشته و جوایز بسیار معتبری را از آن خود کرده است. او در رشته معماری تحصیل کرده و طراحی داخلی مسجد فرودگاه ریاض، نقاشی دیواری سالن انتظار فرودگاه جده، نقاشی دیواری برای موزه ملی عربستان، طراحی موزائیک برای مسجد جامع عمان و... را در کارنامه کاری

# قبلد شيوا

• • قبادشیوا دانش آموخته رشته نقاشی است و در ۱۳۴۵ فارغالتحصیل شد. پس از سالها تجربه عملی در زمینه گرافیک فوق لیسانس خود را از دانشگاه pratt شهر نیویورک در سال ۱۳۵۹ اخذ کرد. در طی چندین دهه فعالیت هنری با خلق آثار بدیع توانست به نوعی گرافیک با ویژگی ایرانی دست یابد و آن را به دنیا معرفی کند، به دلیل همین ویژگی برخی از آثارش در موزههای مختلف جهان و مجموعه داران بین المللی جای گرفته است. از فعالیتهای جنبی او تاسیس بخش گرافیک در صدا و سیمای ایران در سال ۱۳۴۷ و راهاندازی بخش گرافیک انتشارات سروش در سال ۱۳۵۰ است..

او از موسسین انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران، پایه گذار و برنامهریز نخستین دوسالانه پوستر تهران است. از دیگر فعالیتهای او آموزش هنر گرافیک در دانشکدههای معتبر تهران از سال ۱۳۵۵ تا به حال است. او



جبلی عکس بگرید من قبول دارم که بخش خارج را هم من

- ۱۳۶۶ با کارهای "آتیلا پسیانی و گروه تئاتر بازی" شروع

کردم که تا چند سال اخیر هم به طور جدی عکاسی می کردم

دوره جدید کارهایم در واقع آرزوهایی

بود که با نگاتیو می خواستم انجام بدهم اما امکانشان

نبود. برای تجربه چنین فضاهایی با عکاسی آنالوگ

احتیاج به زمان بسیار زیاد است ، خصوصا برای کار

بانگاتیو رنگی، پروسه کار آنقدر طولانی می شود که

تقریبا حرکت در چنین مسیری را ناممکن می کند. اما

دوربین دیجیتال به شما در لحظه نتیجه محاسباتتان

را نشان می دهد و می توانید با سرعت بسیار بیشتری

اول و دوره چهارم می بینید ، همان نگاه فانتزی یا نوع

متفاوتی از نگاه کردن به واقعیت تصویر است که همیشه

در من بوده. کارهای با آگراندیسمان ، دفرمه کردن یا

به هر حال این ار تباطی که شما در رابطه دوره

، اما متاسفانه فضاى عكاسى تئاتر دستخوش تغييراتي شد

كەدربارە آن بايد مفصل توضيح بدهم.

روی چنین پروژه هایی کار کنید.

عکاسی تئاتر را به صورت جدی در سالهای ۱۳۶۵









به فضای کشف و سوررئال باشد. خودتان چه نظری

گردی می رفتیم. آنچه که ما در کانون پرورشی یادگرفته

بودیم گرفتن عکس سالم بود، کلاری حضور احساس را در

عکس به من نشان داد. از ان دوران فیلم ای ایران را عکاسی

کردم . در فیلم دلشدگان ، عزیز ساعتی با ما خارج از کشور

نیامد و به آقای حاتمی گفتند

دوره کارهای با آگراندیسمان ، برایم کشف

🐽 پویان طباطبایی: "سکوت و گوشه گیری افراد به معنای نداشتن حرف تازه ای نیست، بلکه شاید آنها هنوز به چیزهایی اعتقاد داشته باشند. "شاید بار سوم بود و یا شاید بار نمی دانم چندم بود که داشتم نوشته کوتاه حبیب رضایی را دوباره می خواندم وناخود آگاه یاد خیلی هامی افتادم، یاد دوستانی که سالهاست آرام و در خلوت خود کار می کنند. آنها که به دنبال تیترها و حرف های جنجالی نیستند. آنها که همه جا دیده نمی شوند. یاد حمید جبلی افتادم که در سکوت و آرامش و بدون نمایشگاه های چند صد ملیونی، بیش از ۴دهه است که عکاسی می کند. نه عکاسی تفریحی و درخت و کلاغ و پنجره و ادای نمایشگاه های دهه ۶۰ میلادی را در اور دن. سالهاست که دوست دارد تاعکسهایش دیده شوند، نقد شوند، امااز ترس اینکه مبادا سوءبر داشت شود که شاید می خواهداز شهرت بازیگریش استفاده کند عکسهایش درسکوت و آرامش خانه در قفسه کمدی جا خوش کرده اند. از صحنه تئاتر تااستودیو کوچک عکاسی، حمید جبلی سفر طولانی را از رئالیسم به سوررئالیسم در عکاسی طی کرده است. حالا در دهه چهارم انعکاس ذهن پیچده اش از طریق دریچه دوربین، جبلی شیوه و روش مخصوص خودش را پیدا کرده است تابتواند پلی میان عکاسی امروزش با بازیهای بی پروای در خشانش در محله برو بیا زده باشد. در واقع او راهی را پیدا کرده تا احساسات درونیش را با بازیهای بیرونیش گره بزندو وحدت و یکپار چگی نگاهش به جهان پیرامون را ثابت نگه دارد و تبدیل به یک روح سور رئال شود.

# هنراز چهدورهای در زندگی شما پررنگ شد؟

همه چیز از کانون شروع شد، یعنی کانون پرورشی کودکان و نوجوانان. سالهایی که امکانات برای بچه های کوچک واقعا کم بود. کانون شروع کرد به برگزاری کلاسهای آموزشی ، و تبدیل شد به مکانی برای کودکان تا با هنر آشنایی پیدا کنند. افرادی مثل قباد شیوا، پرویز کلانتری، اسفندیار منفرد زاده و... از همان سالهای اول به عنوان مربی حضور داشتند. من سال ۵۰ وارد کانون شدم و ان موقع ۱۲ یا ۱۳ سالم بود و با کلاس تئاتر شروع کردم. کم کم بااضافه شدن کلاسهای سینما و عکاسی تقریبا تمام عصرهای ما در کانون می گذشت. فاصله مدرسه من با دفتر کانون دور بود و کلاسها اغلب نیم ساعت بعد از تعطیلی مدارس شروع می شد. من هر روز این فاصله رامی دویدم تااز کلاسی عقب نمانم.

ایرج طهماسب ، علی طالبی ، حسن دوست، عليقلي، همايون اسعديان ، بهروز افخمي ،فاطمه معتمد آريا و خیلی های دیگر از دوستان، همه بچه های کانون پرورشی بودند. با رسیدن به ۱۸ سالگی باید از کانون بیرون می رفتیم که خوشبختانه با قرار دادهایی که بسته شد ، ما به عنوان مربی به شهرستانها فرستاده شدیم تا کلاس های آموزشی کانون را برگزار كنيم. من به عنوان مدرس عكاسي به فيروز كوه و الاشت

گرفتن عکس از خانه خارج شدم و تا چند محله راه رفتم تا بتوانم عکسی بگیرم. اولین بار در روزنامه "کایر" نشریه انجمن بازنشستگان کشوری عکسی از من به چاپ رسید. از ان تاریخ تا امروز بجز بخش عكاسي خلاقه ، عكاس تئاترهاي زيادي بودم ، فیلم های سینمایی و سریال های تلوزیونی را هم عکاسی

از كجابا فستيوال شش هفته با هنر ايران آشنا شديد؟

صورت گرفت و آشنایی که از فستیوال داشتم پذیرفتم که در این دوره شرکت کنم. به شخصه دوست ندارم که در ایران نمایشگاه عکاسی داشته باشم، به این علت که چون همه من را به عنوان بازیگر می شناسند تصور بر این است که می خواهم از شهرت بازیگری ام سوء استفاده کنم. در ۳۰ سال گذشته فقط عکسهایم را به دوستان نزدیک نشان داده ام اما دوست دارم که عكسها ديده شوند، نظرات را بشنوم و نقاط قوت وضعف را پيدا کنم، خصوصا نظر افرادی که از فرهنگ های دیگری هستند برایم بسیار جالب است. شاید این موقعیت نمایش کارها در خارج از کشور ، شرایطی را ایجاد کند که آن پیش داوری از بین

چەسالى عكاسى رابە صورت جدى شروع كرديد؟ سال ۱۳۵۲ بود که اولین بار دوربین بدست برای

در فستیوال دوره قبل را دیده بودم و با توجه به دعوتی که

عکسهای شمارا که می بینم، یک دوره کشف و هیجان وجود دارد که بسیار دوست دارم، بعد دوره بعدی وارد فضای عکاسی سینمایی و رئال (واقعی) می شوید. همزمان با این دوره عکاسی تئاتر شروع می شود و دوباره یک جهش دارید. دوره چهارم عکس هایتان که به نظرم بهترین دوره کارهایتان است ، شاید بازگشتی

چندی پیش برنامه ها و آثار شرکت داده شده تصویر بود و اکثر کارها بدون دخالت دوربین بوجود می آمدند.دوره کارهای رئال از سال ۱۳۶۳ و بواسطه آشنایی با محمود کالری در فیلم شهر موشها شروع شد. در این دوره خیلی از محمود کلاری و عزیز ساعتی کمک گرفتم و بواسطه کار سینما، نزدیک به یک دهه را با هم بودیم. هر وقت فرصتی حتى كوتاه دربين فيلمبردارى دست مى داد من دوربين هايم را برمی داشتم و به همراه کلاری به کوه پیمایی و طبیعت

برود و بتوانم بعد ها در ایران هم نمایشگاه عکسی از کارهایم









نمی دانیم که آیا دیگران هم دقیقا همان تصویری را می بینند که مامی بینیم و آیا تصویریک شی برای همه یکسان است؟ آیا رنگها را مانند هم تجربه می کنیم .اگر فقط کمی وسیع تر نگاه کنیم باید بپرسیم آیا تصویری که حشرات و یا آبزیان از یک شی می بینند با ما یکی است؟ کدام تصویر درست تر است؟ به نظر م شگفتانگیزی هنر در همین کشف دوبار هاست.

# ٢دوره شماعكاسي راكنار گذاشتيد، چهاتفاقي افتاد؟

سال ۱۳۸۰ اولین وقفه در عکاسی کردن اتفاق افتاد . سفری داشتم به پاریس. به همراه دوست خوبم خسرو پیغامی به لابراتوار پیکتو رفتیم و سری به آرشیو عکسهای نجا زدیم. دیدن کارهای بسیار قوی و جذاب عکاسان بنام دنیا و در ادامه بازدید از نمایشگاه های عکاسی ان دوره در یاریس فکرم را بشدت مشغول کرد. برای ۲ سال عکاسی را کنار گذاشتم. فکر کردم که افرادی در جهان هستند که هنر عکاسی ا تمام کرده اند و جایی برای کار جدیدی نمانده و ما چه حرف

دوربین داشته و بلد بوده که عکس سالم بگیرد ، چه جایگاه تازه ای داریم که بزنیم؟. مهمی در دربار پادشاهان داشته است و نفر دومی که بلد بوده دوره دوم ۵ سال پیش بود، یعنی در سفری که به عكس بگيرد خود پادشاه بوده است . واقعيت اين است كه همراه گروهی از عکاسان جوان برای عکاسی ما نمی توانیم علم را متوقف کنیم. امروزه دوربین یک وسیله به شهرستانی رفتیم. همه دوربين ديجيتال داشتند و من با نگاتیو عکاسی

مي كردم . تا من ۳۰ فریم عکس که لنز و نور

است.در واقع در دوره آنالوگ کار با ابزار خیلی مهم بود در صورتی که در دوره دیجیتال ابزار ارزش خودش را از دست داده ونگاه موجود در محصول نهایی مهم شده است. برگردیم به فستیوال "شش هفته با هنر ایران "،در این فستیوال عکسهای شما در بخش پیشکسوتان هنر د اشت،

ایران، شرکت دارد و در کنار آثار جوانان ایرانی حاضر در بخشهای دیگر قرار می گیرد. چه احساسی دارید؟ خیلی خوشحالم که چنین اتفاقی می افتد. یادمان نرود که عکاسی و کلا هنر با زمان تغییر می کند. وقتی که از جوانها دور بشویم ، در واقع در زمان و دوره خودمان جامی مانیم.من کلاسهای مجسمه سازی که می روم،استاد می تواند جای پسر من باشد، و من لذت می برم که از او تکنیکهای جدید یاد می گیرم. بالاتر از تکنینک ، احساس بشر هم متغیر است. گرفته بودند. بعد ساده ترین نمونه اینکه احساس انسان در دهه های مختلف کارها را دیدیم و من زندگی به طبیعت اطرافش تغییر می کند. پس شاید کارهای دیدم که حتما در ۴۰۰ جوانهای شرکت کننده در فستیوال برای من جالب باشد و فریم می شود تعداد

بهتری انتخاب کرد تا در ۳۰ فریم. من دیدم که با دنیای

دیجیتال نمی توانم رابطه برقرار کنم. به عکاسی آنالوگ هم

تعصب داشتم که البته هنوز هم گروهی از دوستان این تعصب

را دارند. یک روز، تمام وسائل عکاسی را جمع کردم و گذاشتم

چه شد که عاقبت تصمیم گرفتید که از عکاسی آنالوگ

خصوصا اگر شما به حرفه ای آشنا باشید و حالا باید دوباره آنرا

از نو یاد بگیرید. در دوره آنالوگ، خود پر وسه عکاسی بسیار مهم

بود. کسی که می توانست عکس بگیرید و چاپ کند جایگاه

موبیلاش می تواند عکس بگیرد. امروز دیگر عکس گرفتن مهم

نیست بلکه چه عکسی گرفتن مهماست.

خیلی مهمی داشت. پس از دوره دیجیتال ، هر کسی حتی با

یادمان نرود که تغییر همیشه سخت است.

اگر به تاریخ رجوع کنیم ، می بینیم که فردی که

در کمدواین شد که دوباره یک دوره فراق پیش آمد.

به دیجیتال کوچ کنید؟



نسبى نننرق

حضور دارید که داوران کانادایی هم در کنار شما قرار دارند. فکر می کنید چه فرقی با داوری های دیگری که انجام دادید داشته باشد؟

قشنگی کار در اینجاست که گروهی با افکار و پیش زمینه های مختلف فرهنگی - هنری کنار هم قرار می گیرند و آشنایی با این سلایق برایم جذاب است. حضور داوران بانگاه های گوناگون و از کشورهای مختلف نشان می دهد که فستیوال بدنبال نتیجه گیری گسترده تری است و می خواهد نگاهی جامع تر داشته باشد.

اهمیت چنین فستیوال هایی که در خارج از ایران و خصوصا روی هنر معاصر و مدرن ایران کار می کنند در

به نظرم می رسد که هرجا فرصتی ایجاد شود تا نگاه هنری معاصر ایران و هنرمندان امروزیمان را در دنیا به نمایش بگذاریم،اتفاق خوبی است و با این کار م یتوانیم تصویر ایران امروز را واقعی تر به دنیا نمایش بدهیم. در سفرهای خارجی همیشه دیده ام که سینما ، موسیقی و آثار هنری ایرانی، مردم را به تعجب واداشته و ما را به هم نزدیک تر کرده است. در واقع ان تصور بدوی از مااز بین می رود.

کارهای کلاسیک ما تاحدی شناخته شده است و نمایش آثار کلاسیک مانند کارهای کمال الملک در جهان غرب کار ویژه ای نیست چون آنها چند صد سال قبل از کمال الملك، ان كارها را بهتر انجام داده اند. هنر معاصر چون با فضای امروز و نگاه امروز هماهنگی بیشتری دارد و فراتر از بحث زیبایی شناسی ، یک کانسپتی هم دارد می تواند خیلی مثبت باشد. نشان دادن اینکه ما بطور مثال نقاش پست مدرن هم داریم، یا سینمای آوانگارد هم داریم، جایگاه ما را در نگاه آمریکای شمالی مطمئننا تغییر می دهد.

فراتر از ان، تعداد فارغ التحصيل هاي ما از دانشگاه های هنر بسیار زیاد است، اما اینها چه می شوند ؟ کجا کار شان دیده می شود؟ باید بستر نمایش هایی این چنینی فراهم شود تاهنرمندان خوبازبين آنها كشف بشوند.

با توجه به اینکه پرسشی مطرح کردید که فارغ التحصیلان دانشگاه های هنر چه می شوند، پس به نظر شما نقش منتقد در معرفی هنرمند و جریان سازی های هنری چیست؟

واقعیت این است که منتقد هنری در دنیای امروز آنچنان اهمیت ویژه ای دارد که می تواند روند و سیر حرکتی یک هنرمند را تغییر بدهد .چه کار فردی باشد مانند نقاشی ، عکاسی و یا یک محصول جمعی مانند سینما. این نقش وقتی مهم می شود که هنرمند بیذیرد منتقد، نگاه جامع تری نسبت به هنر دارد. آنگاه هنرمند به واسطه نظریات انتقال داده شده توسط منتقد و با توجه به احساست درونی خودش،مسیر تازهای راکشف می کند. متاسفانه در اینجا ،بجز تعداد محدودی منتقد خوب، گروه زیادی صرفا برای اینکه در فضایی هنری آمد و شد داشته باشند و بتوانند با چهره های هنری از نزدیک دیدار کنند ، وارد این عرصه شده اند، بدون داشتن ابزار و

دانش كافي از مقوله نقد هنري. دومین اشکال ما این است که دچار مسائل شخصی هستیم . بواسطه آداب شرقی، احترام زیاد ازحد و رودربایستی ، نحوه ارتباطمان را محدود کرده ایم . قرار است که منتقد راهنما باشد ، تحلیل کند اما دوستی های شخصی سدی می شود تا منتقد نظرات واقعى و مشكلات كار را به شما انتقال ندهد در حالی که منتقد باید فارغ از ملاحظات شخصی ، راحت و بی پرده





من همچنان اصرار در هنر عکاسی دارم و نمونه بارز عكس هايش را.

● سال۱۹۹۳نمایشگاهی در نامتعارف دیده می شود. فضاهایی که به ندرت در پر

آرتیزان می دانست. یعنی کسی که تکنیک را می داند دنیای خاص خود را می سازد. دنیایی پر از ابهام و سوال، بدانیم ولی به یقین راهی و محتوا در خدمت تکنیک است، حال محتوا هر چه دنیایی از شگفتی های درون انسان، دنیایی از وهم و که او میرود در تاریخ عکاسی خیال و دنیایی که در اوج ناباوری قابل باور است.

ایران ثبت خواهد شد و از او به عنوان صاحب سبک نام بردہ می شود. حمید جبلی بی شک در

در فرم فرم عکس هایش جستجو و خلق فضاهای را دورتر نشان می دهند و این نشان از آگاهی او از

پاریس داشتم که همزمان بود زندگی روزمره آنها را می بینیم. و آنچه او را متمایز از نور و رنگ با نمایشگاه یک عکاس ژاپنی. دیگران می کند، سهولت القای فرم و فضا به تماشاچی ین بود که سنگ های ست، بدون انکه حواسته باشد موضوع حود را تحمیل حمید کنار دریا را به دقت عکاسی کند. فضاها و فرم ها به سرعت جای خود را در ذهن گرچه در اوج کرده بود. تبلیغات بسیاری تماشاگربازمی کنندواگرچهبازندگی روزمره نامانوس تواضع و ادب که برای او شده بود. در ملاقاتی که هستند اما، انگار در ضمیر نا خودآگاه انسان جای شاخصه شخصیت با او داشتم، عکاسی را صنعت خود را دارند. ذهنیت حمید جبلی، او را یک هنرمند اوست شاید نیذیرد عکاسی می دانست و من اصرار سورر الیست کرده است. هنرمندی که مانوس و که او را صاحب سبک داشتم که هنر است، ولی او عکاس را صنعتگر هنر یا نامانوس را چنان هنرمندانه کنار هم قرار می دهد، که خاصی در عکاسی

آینده نه چندان دور جوانان

ولی در عکس هایش آنها را احجام غول پیکری می بینیم. رنگ ها به کمک پرسپکتیو می آیند که فضا

آن را در کشورم عکس های حمید جبلی میدانم،که حمید جبلی رنگ را خوب می شناسد چه در عکاسی، مسیری گام بر میدارد که در هنرمندیست خلاق و جستجوگر و خوش ذوق. شاید چه در نقاشی. سلیقهٔ خاصی در چیدمان موتیف هایش بسیاری بیشتر او را به عنوان ستارهٔ سینما می شناسند دارد، چیدمانی که خاص اوست. در چیدمان کارهایش بسیاری راه او را در پیش ولی من آثار تجسمی او را نیز دیده ام چه نقاشی هاو چه بزرگی بعضی از اشیا از یک بند انگشت تجاوز نمی کند خواهند گرفت.



با حمید جبلی سالهاست که در سينما كار مىكنم، حالا او از صمیمی ترین دوستان من است.

دریچه

كلفات وكلو

www.sixweeks.ca

در بسیاری از فیلمهای سینمائی که بازی داشت، بعنوان عکاس

صحنه حضور داشتم همکاری با عزيزساعتي او لذتبخش بوده و هست. اولین فیلم سینمائی که فیلمبرداری کردم یک مرد، یک خرس بود که حمید جبلی بازیگر اصلی فیلم بود که موجب دلخوشی و دلگرمی من شد، کاری برمشقت و خطرناک برای گروه و مخصوصاً برای جبلی که از ابتدا تاانتهای فیلم مجبور شد با یک خرس همبازی شود. او ا مهارت و زیر کی و مهربانی با خرس خطرناک طرح دوستی ریخت و بدون کوچکترین آسیبی همهی گروه و خودش را

نجات دادو فیلم بی حادثه به پایان رسید. در تمام این سالها حمید جبلی یک دوربین عکاسی همراه داشت و در کنار حرفه اصلیاش، عکسهای دلخواهش را ه آرامی و بدون سروصدا می گرفت. البته عکسهایی خارج از زوایای دوربین فیلمبرداری و عکاس صحنه. عکسهای جبلی در عین سادگی، ظرافت و روح دلنشینی داشته و دارد، مانند بازیگریاش که جایگاهی خاص دارد که فعلا خارج ازین بحث و فراتر از دانش من است. جبلی ظهور نگاتیو و چاپ عکسهای سیاه و سفیدرا خودش انجام می داد.

سال ۱۳۷۰ برای فیلم دلشدگان قرار شد صحنههائی خارج ر کشور فیلمبرداری شود. من عکاس آن فیلم بودم که بدلیل گرفتاری نمی توانستم با گروه همسفر شوم. از حمید جبلی خواهش کردم به جای من از صحنهها عکاسی کند. جبلی عکسهایی گرفت زیبا و بدون نقص. من آن عکسها را از عكسهاى خودم بيشتر دوست دارم.

او از صحنههای تاتر هم عکاسی کرده که بعضی از آنها در كتابها و نمايشگاه هابه نمايش گذاشته شده.

حمید جبلی در سالهای اخیر از عکاسی باصطلاح سُنتی فاصله گرفته و بدلیل داشتن ذهن خلاق سینمائی و ظرافتهایش با برنامهریزی و طراحی دقیق، عکسهایی گرفته با قاببندیهای هنرمندانه، عکسهایی با سناریو و کارگردانی حمید جبلی، که نشان از شکار لحظههای خاص دارند. مجموعههای «طبیعت بیجان» ـ «انسانها در طبیعت بیجان» با چیدمانهای ظریف و شگفتانگیز، دیدنی است. حمید جبلی هنرپیشه معروفی است، چهرهاش برای همه آشناست. بهمین دلیل کمتر میتواند در متن جامعه مثل بقیه عکاسان، از آدمها و موضوعات اجتماعی عكس بگيرد در نتيجه تصاوير جبلي از واقعيتهايي كه به آنها عادت داریم فاصله دارد. جبلی با مفاهیم تازه از واقعیتها با سلیقه و نگاه خاص خودش که بنظر من خیلی سینمائی است تصاویر و عکسهای جذابی نشان ما میدهد که هیچوقت پیچیده نیستند و سادهاند. حمید جبلی همواره بدنبال زیبائی و «شیرینی بیان» است! او برای رسیدن به این هدف ز عوامل مختلف استفاده می کند. نویسندگی، بازیگری، فيلمسازى،مجسمهسازى والبته عكاسى.



عکسهای داخل گالری که مربوط به افتتاحیه دو نمایشگاه هنرهای تجسمی است که به طور همزمان برگزار شده است . "شکفتن در مه" و "آینده در پس زمینه". عکسهای این بخش توسط سامان اقوامی تهیه شده است.

عکسها متعلق به روز ۲۱ سپتامبر سال ۲۰۱۲ میباشد .محل فستیوال، گالری کوئین واقع در مرکزشهر تورنتواست.



🚹 على كامران، گرافيست به همراه دوستان و خانم آهن خواه مدير گالري كوئين

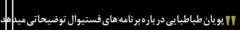
نسيم شرق

🔻 پویان طباطبایی، دبیر فستیوال در حال مصاحبه با کانال تلوزیون کانادا



COD / I TOO

۱ از راست به چپ، رامین لباسچی (کار گردان)، محمود م<mark>عر</mark>اجی (نقاش) حسن زرهی (سردبیر نشر یه شهروند) دکتر رضامریدی (نماینده مجلس اونتاریو).







🚹 محمود معراجی(نقاش)



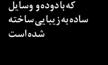


🚹 مجسمه های محسن وزیری، عکسهای حمید جبلی و پوستر قباد شیوا

🚺 مهراد معراجی(نقاش)، علی کامران (گرافیست)، محمود معراجی (نقاش)، مارسل جرو (عکاس)

















Pooyan Tabatabaei

Translated by: Nazanin

"Silence and isolation of individuals doesn't mean that they have nothing new to say, but they may still believe in some things". Might it be that it was the third time or I don't know how many times was it that I was reading a short writing of Habib Rezai

of many, many friends that are still working in their own solitude. They are not after titles and shocking words, those that you don't see everywhere. I remembered Hamid Jebeli who has been taking photos in peace and quietness without multimillion dollar galleries for over four decades. Not the fun photography and trees, crows, windows or imitating 1960's galleries. It has been years that he likes his photos to be seen, criticized upon but from the fear of misstatements that he wants to take advantage of his acting fames he hides his pictures in his closet.

and unconsciously I was reminded

From the theatre stage to small photography studio Hamid Jebeli has travelled a long journey from realism to surrealism in photogra- all contracts that were signed we were sent phy. Now in the forth decade echoes of his to other cities to teach and launch academic complex mind, with the mean of the camera, classes for kanoon. I was sent to Firuzkuh has found its way and special flow to be able to bridge between his current photography with daring, bright acting to gain acceptance. Essentially, he has found a way to knot his inner emotions to his outer actions and confirm unity and singularity of his perspective of outer world and adapt to a surreal soul. Second tournament of Six Week of Iranian Art that is launching in less than thirty days in Toronto, will host Hamid Jebeli's Pictures. His first time ever, solo presence as a photographer will be an excuse that after a period of silence he bursts interesting statements about arts of photography and perspectives, that we will read parts of it here:

# When did art take a serious role in vo-

- Everything started from Kanoon, I mean "Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults" since opportunities for young children was rare, kanoon started to manifest arts for kids through academic classes and turned into a centre where kids could learn about arts. Since early years many people like Ghobad Shiva, Pariviz Kalantari, Esfandyar Monfaredzade and... served as teachers. I entered kanoon in year 50, when I was 12 or 13 and I started with theater classes. In addition cinema classes and photography classes compelled us spend almost all our afternoons at kanoon. My school was far from from kanoon's office and classes usually started half hour after schools ended. I had to run in order for me not to
- Iraj Tahmasb, Ali talebi, hasandust, Aligholi, Homayun Asaadian, Behruz Afkhami, Fateme Motamed aria and many other friends were from" Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults". We had to leave kanoon when our age hit 18 years old and fortunately with respect to as a photography teacher.

## What year did you start professional photography?

First time I ever left home to take a picture with my camera was in 1352 and I walked a couple of blocks to be able to take a picture. A photograph by me was published for the first time in "Kair newspaper", news for national retired community. Since that date until today aside from creative photography I photographed many theaters, movies and TV series.

How did you find out about six weeks of



## Iranian Art?

- Some while ago, I had seen events and pieces incorporated into the festival from last tournament and since I was familiar with the festival and with respect to the invitation sent to me, I decided to participate in this round. I personally do not like to have a photo gallery in Iran because everyone knows I am an actor and people would assume that I am taking advantage of my fame in that regards. In the last thirty years I have only shown my pictures to my close friends but I want my photos to be seen, and I want to hear comments, find weaknesses and strength, specifically comments from people from other cultures are very attractive to me. Might it be that the opportunity of showing my work outside my country would diminish pre -judgment thinking and paves the way for me to have a photo gallery of my art work.

Looking at your pictures, a period of discovery and excitement exists that I like a lot, and then you enter a realm of cinema photography and realism in the next period. Theatre photography begins at the same during this era and then you have another movement. Might it be that forth period of your photos, although I think is the best period of your artwork, is a return to a realm of discovery and surrealism. What do you think?

- During work with agrandisman, most artworks came into existence without interference of camera. Period of realism started in 1963 with my reference to Mahmud Kalery in "shahre mushha". During this time Mahmud Kalery and Aziz Saati assisted me so a decade together. When I found a break in between filming, even short breaks, I would take my cameras with company of Kalari and You quit photography twice, what hapgo for nature walks and hiking. What we learnt in kanoon was now to take a picture in good condition but kalari showed me presence of emotion in a picture. Since then I photograph Iranian movies. in the movie "Delshodegan", Aziz Saati didn't leave the country with us and told Mr. Hatami that I accept if Mr. Jebeli takes photos, regardless, I took pictures from the out of the country parts.
- I started professional theater photography in 1366-1365 with works of "Atila Pesi-

theatre play group" and I continued professional photography until last recent years but unfortunately there were some changes in theatre photography which I need to fully ex-



gativ but it was not possible. To experience these types of realms with analogue photography you will need a lot of time. Specially, with colored negativ the process is so long that makes movement in such way impossible while analogue camera gives you result of your calculations in time and you can work much faster on such projects.

Essentially, he has found a way to knot his inner emotions to his outer actions and confirm unity and singularity of his perspective of outer world and adapt to a surreal soul

In any case, the connection that you see between the first and fourth period is that same fantasy look or a different perspective of looking at reality of image that has always been inherent in me. For me work with agrandisman, deformation and work with lighting is a rediscovery of a one-dimension image. We really don't know if others really see what we see and if a one dimension image is the same for everyone. Does everyone experience color the same? If we only look broader we must ask do insects perceive images like we us humans do. Which image is momuch and because of cinema work we spent re accurate? I think it is this very rediscovery that makes art surprising.

- First break in photography occurred in I am very happy that this is happening, 1380. I travelled to Paris with a good friend let's not forget that photography and in geof mine Khosro Peighami, we went to pikto lab and we looked at photo archives there. Seeing such strong and attractive works of prominent international photographers and also visiting photography exhibition during that period in Paris kept my mind extremely occupied. I quit photography for two years. I thought there are people in the world that finished art of photography and there is no room for new works and statements can we
- Second time was five years ago, well I went on a trip with a group of young photographers to photograph in a city in Iran. All This year you are present in festival ju-- I wished to do my new set of work with ne- of them had digital cameras and I photogra- rors of sex weeks of Iranian art along with



phed with negativ. I noticed by the time I get 30 frames picture which needed change of lens and lightning each of them had taken 400 frames of pictures. Then we looked at works and I realized that eventually, it is possible to choose better pictures in 400 frames than in 30 frames. I noted that I cannot connect with the digital world and I was biased towards analogue photography although some friends still are biased towards it. One day I put all photography instruments in the closet and this is how a period of withdrawal happe-

## What happened that you decided to shift from analogue photography to digital?

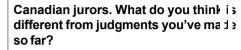
 Let us not forget that change is always hard, especially if you already know a pro-

and you have to learn it all over again. In the

analogue era the process of photography itself was important. Someone who could take a picture and publish had a prior place. After the digital period any one can take picture, even with his mobile. Today taking pictures in not important but what picture to take is important. If we look at history, we see that anyone who had a camera and knew how to take a decent picture had some important place in imperial court and the second person who knew how to take a decent picture was the king itself. The reality is that we cannot stop science, today camera is an instrument. In analogue era working with instruments was very important but in digital era instrument has lost its worth and existing look in final production has gained importance.

## Let's get back to Six Weeks Of Iranian Art festival, in this festival your pictures are participating in the pioneers of art section and it is placed along with work of young Iranians present in other sections. How do you feel?

art changes in consistent with time. When we get distant from younger crowd we are misplaced in our time and period. I go to sculpture making classes and my mentor can be as young as my son and I enjoy learning new techniques from him. Above techniques human emotion is flexible and changes. The simplest example is that human feelings changes towards outside world in different cycles. Therefore may work of young participating artist in the festival interest me and my work might be attractive to some of them.



The beauty of work is that a group of different people with variant thoughts and artistic multi-cultural base come together and I am interested in learning different tastes. Presences of jurors that come from different countries with different perspectives show that the festival approaches a broader conclusion and wants to acquire a deeper look.

## What is the importance of such festivals that occur outside of Iran and specifically

work on contemporary art and modern

- I think the opportunity that manifests Iranian contemporary art perspectives and artists is a good event and we can portray a more real image of Iran to the world. During my international trips I have seen that cinema; music and Iranian art work has surprised people and brought us closer together, essentially the vague image diminishes. Our classic work is known to some extend and exhibiting classic works such as "Kamalolmolk " in the west does not serve a special purpose, because, they performed such tasks better some hundred years ago.
- Since contemporary art harmonizes with today's atmosphere and perspectives and has a concept broader than the discourse of beauty, it can be very positive. Demonstrating to the world that we have post-modern painters or avangarde cinema could definitely change our place in North American's perspective.
- Aside from that, our art graduates are so many but what happens to them? Where do they exhibit their art? These types of exhibition help artists to flourish and talents to be discovered.

With respect to the question placed earlier that what happens to graduates from art universities, in your opinion what is the role of critique in introducing artist and artistic progression

- Reality is that in today's world art critic's role has such high importance that it can change flow of movement of an artist. whether it is and individual work like pain-
- or product of a group work like cinema this role becomes prior when artist accepts that critic has a broader perspective in respect to art. Then artist with inconsistent to

inner feelings and opinions transferred to him through critic can discover a new cur-

Unfortunately, here aside from a few of good critics, many other groups step in just for the sake of being part of an artistic environment and to be able to meet close up with the artist, although they do not have sufficient knowledge of artistic discourse.

Our second problem is that we are too involved with our own personal matters. Our way of contact with each other is limited to our eastern manner and bounded by our extremism towards respecting each other. A critique is obligated to be a guidance and analyze, but personal friendship serves as a wall for critics such that they are cannot transfer their true opinion despite the fact that a critique should be able to do so without hesitation.

# Editorial

# One more time



It is my great pleasure to curate 'Six Weeks of Iranian Art' exhibits in Toronto for a second time this fall, from September 21st to November 2nd,

Six Weeks of Iranian Art sets out to provide an appropriate channel for communication with the 350,000 strong and growing Canadian-Iranians in this country through art. Our aim is to preserve and promulgate the Iranian cultural and intellectual heritage in the Canadian-Iranian as well as the established Canadian community. This will aid and represent Iranian artists in this multicultural society and help their voices be heard by a larger audience.

More importantly this is the first step towards familiarizing the community with the modernism movement of the Canadian-Iranian artists that may have gone unnoticed by the mainstream society due to lack of exposure. This show is a unique step towards highlighting Canada as a country whose support of multiculturalism and understanding of art is well established through the support of its community as well as its government.

The inaugural festival "Six Weeks of Iranian Art" was held in 2007 at the Headbones Galleryin Toronto from July 14, 2007 to August 28. The event featured a unique rich and diverse blend of visual art exhibits, from photography to painting and sculpture, live music and play reading. It showcased aspects of Iranian culture and heritage through the works of nationally and internationally recognized Iranian and Iranian-origin artists. The 2007 festival was received with great enthusiasm by Toronto and the art community. It was not only an overwhelming achievement in the eyes of the critics, but it also received recognition in a large number of art related, Canadian and Iranian based magazines and newspapers. It was well received by public as well, both during the event at the gallery and through the exhibition's official web site.

The 2012 festival features a wider selection of artists, an art competition and award ceremony and collaboration with the Iran-based 'Image of the Year'. It promises to attract more local support from within the Canadian-Iranian community and the art community in Toronto.



"Six Weeks of Iranian Art" Festival Internal bulletin
Toronto - Canada - 2012

Editor-In-Chief: Pooyan Tabatabaei
Editorial team: Helia Ghazimirsaeid. Pooyan Tabatabaei
Mana kiani.Peyman Moazami. Nazanin Abbasi
Graphic design team: Ali Kamran. Hesamedin Mahboob
Photography team: Marcel Jerou, Saman Aghvami
phone No: +1 (416) 731 7797
Email: Info @ Sixweeks.ca
Website: www.sixweeks.ca



# A window for imagination



# **Opinion**

## **Cultural Reunion**



an Art spans three generations and during the lives of these generations, Iran

Six Weeks of Irani-

went through traumatic and unsettling times. When reviewing Iran (originally called Persia) from an art historical context, that which immediately comes to mind is the traditional miniatures that explored a multitude of subjects ranging from religious to quotidian. It was an art identifiable with a culture. This series of exhibitions rises above political references and concerns to focus on the equalization of cultures.

Michele Foucault saw in the Iranian condition hope for a new and revitalised way of living. He spoke of the Iranians in the following terms; there was "literally a light that lit up all of them, that bathed all of them at the same time." I see this light as well an enthusiasm that ranges from modernism to the post-modern conversation currently engaged in the light of the cultural diversity that makes up the Canadian demographic. Art is a language available that allows for incandescence and this series of exhibitions celebrates the visual articulation between cultures.



# Calender of the festival

# Visual Exhibition:

**1. Backdrop to the Future** 21st of September to

2. Burst in the fog 21 st of September to 17th of October

3rd of October 12

**3. Mystic train** 5 th of October to 17 th of October 12

**4. Flying Colors** 19th of October to 31st of October 12

# Workshops:

**1. Painting Workshop** 2nd of October - For 3 days

**2. Photography Workshop** 9th of October - For 3 days

**3. Theater Workshop** 15th of October - For 3 days

**4. Creative Writing Workshop** 21st of October - for 3 days

**5. Scriptwriting workshop** 29th of October - for 4 days

# Short film:

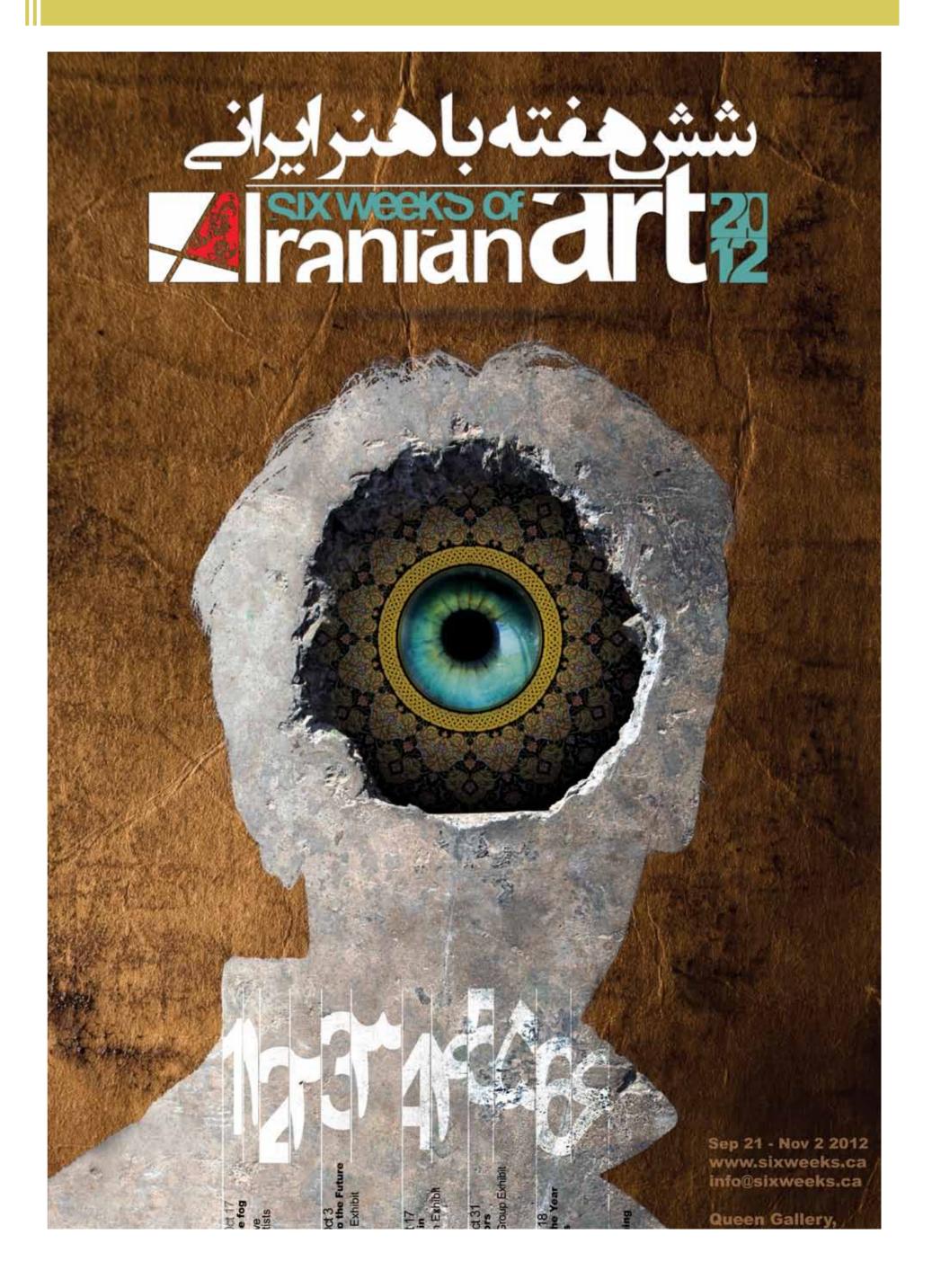
**1. October 11** Showtime: 5 - 7 - 9 pm

**2. October 18** Showtime: 5 - 7 - 9 pm

**3. October 25** Showtime: 5 - 7 - 9 pm

Location: Cinema Carlton

Tel: 416- 731 7797



# STERN BREEZE JULIANIE GLUNIANIE GLUNIANIE

16 Pages 29 September 2012 www.sixweeks.ca

# Cover STORY ••

# Six Weeks Of Iranian Art September 21 - October 02

KEYWORD The second Six Weeks of Iranian Art festival is returning Toronto with an even bigger dream of aiding and representing Canadian-Iranian artists in this multicultural landscape – showcasing more headlining stars and empowering emerging artists at Toronto's historic Downtown. This fall Toronto's Queen Gallery will be home to over 150 artists, performers and exhibitors.



As a visible growing minority in Canada with more than 350,000 Iranian-Canadians in the country the need for cultural preservation and progression has become a clear ambition in the Iranian community. Six Weeks of Iranian Art is an invitation from the ever-growing Iranian community in Toronto to all Canadians to come and be inspired, intrigued, and amazed by an innovating and thought provoking

festival. From visual arts to captivating theatre, music and film, this 6 week festival aims to cast the spotlight on Iranian artists while embracing our rich multicultural community. From September 21, 2012 to November 2, 2012 internationally renowned, award winning artists, among emerging young talents will take part in a number of exhibits and performances. With overwhelming

success in 2007, this non-for-profit festival is sure to become the next cultural sensation of our city. Join us for the 2012 "Six Weeks of Iranian Art" festival at the Queens Gallery located at 382 Queen Street East in Toronto starting September 21st for a celebration of Iranian art that is sure to become the next cultural sensation of Toronto.